

تحلیل قرائت منقول از امام صادق (ع) در آیه ۲ سوره معارج

زهرا زارعی^۱

الهه شاه پسند^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۴، صفحه ۶۹ تا ۹۲ (مقاله پژوهشی)

چکیده

برخی قرائت‌های متفاوت با مصحف رسمی، ماهیتی کاملاً شیعی دارند و همین مسأله موجب طرح اتهاماتی به شیعه در خصوص اعتقاد به تحریف قرآن شده است؛ اهمیت بررسی چنین قرائاتی از همین‌جا روشن می‌شود. به همین منظور، این مقاله به بررسی موردی قرائت منسوب به امام صادق (ع) از آیه ۲ سوره معارج پرداخته که مشتمل بر افزوده «ولایة علی (ع)» است. این پژوهش در دو بخش الف) تاریخ‌گذاری روایت با استفاده از روش تحلیل اسناد-متن و ب) تحلیل تاریخی روایت به منظور رسیدن به انگیزه‌های نشر آن، به بررسی ماهیت این قرائت پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تاریخ نشر این روایت در حوالی سال ۱۴۸ قمری است. دقت در فضای تاریخی و گفتمانی تاریخ به دست آمده نیز نشان می‌دهد که این روایت در فضای مبارزه فرهنگی و سیاسی علیه عباسیان و به منظور افزایش بصیرت جامعه در تشخیص مصداق واقعی «ولی» منتشر شده است.

کلیدواژه‌ها: قرائت منسوب به ائمه (ع)، سوره معارج، شأن نزول، واقعه غدیر.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی مشهد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

(نویسنده مسئول). zzarei512@chmail.ir

^۲ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد. shahpasand@quran.ac.ir

درآمد

قرائات منسوب به ائمه (ع) که اغلب ماهیت شیعی دارند و در صدد اثبات حقانیت ولایت امام علی (ع) هستند در باور عمومی نسبت به اعتقاد شیعه در خصوص اصالت مصحف رایج (مصحف عثمانی) خدشه وارد کرده‌اند. از این رو، تلاش برای مشخص کردن ماهیت این روایات ضروری به نظر می‌رسد. ارائه تحلیلی تاریخی از بافت موقعیتی نشر این قرائات و روشن ساختن مدلول حقیقی آنها، می‌تواند نسبت قرائات ائمه (ع) با مصحف عثمانی و نیز موضع حقیقی شیعه نسبت به این مصحف را مشخص کند. علاوه بر این، مطالعه این قرائات نشان می‌دهد چگونه ائمه (ع) از گفتمان‌های رایج در عصر خود مطلع بوده و نسبت به آنها واکنش نشان می‌داده‌اند؛ آن هم واکنشی برگرفته از قرآن که متن مورد قبول همه مسلمانان است.

ادبیات بحث قرائات منسوب به ائمه (ع) در مقالات مشابه به طور مفصل مطرح شده است؛ برای نمونه می‌توان به مقاله‌ای که شاه‌پسند با عنوان «تحلیل تاریخی قرائات منسوب به ائمه اطهار (ع): مطالعه موردی آیه ۳۳ سوره آل عمران» نگاشته اشاره کرد (شاه‌پسند، ۱۳۹۹ش، ۳۸-۴۲). در عین حال، مواردی که بیشترین ارتباط را با مسأله این پژوهش دارند، به اجمال معرفی می‌شوند؛ در زمینه تحلیل و بررسی ماهیت قرائات منسوب به ائمه (ع) پژوهش‌هایی انجام شده است؛ ایده تفسیری بودن این قرائات، از دیرباز مطرح بوده است؛ اما در دوره اخیر، رویکردهای دیگری نیز دیده می‌شود، برای نمونه، درباره افزوده «آل محمد» به آیه ۳۳ سوره آل عمران در قرائت منقول از امام صادق (ع)، مؤدب و زمانی مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روایت تفسیری منتقله ابن فحام در خصوص کاستی از آیه ۳۳ آل عمران در امامی شیخ طوسی» نوشته و معتقدند این قرائت از کتب حدیثی عامه مسلمانان به کتب حدیثی مدرسه اهل بیت منتقل شده است (مؤدب و زمانی، ۱۳۹۶ش، سراسر اثر).

شاه‌پسند نیز در مقاله پیش‌گفته به تحلیل تاریخی و گفتمانی قرائت همین آیه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در این دوران فضایی در جامعه ایجاد شده بود که قدرت‌های سیاسی هر کدام تلاش می‌کردند خود را به عنوان مصداقی از «آل محمد» معرفی کنند و قرائت امام صادق (ع) قصد دارد ذریه پیامبر (ص) را به عنوان مصداق آل محمد برگزیده خداوند معرفی نماید (شاه‌پسند، ۱۳۹۹ش، سراسر اثر).

در منابع حدیثی و تفسیری روایاتی منقول از امام صادق (ع) وجود دارد که افزوده «ولایه» را به عنوان بخشی از یک آیه مطرح کرده‌اند. این روایت‌ها با استفاده از این جای‌گذاری، ولایت علی (ع) را به عنوان ولایت حقه معرفی، و در مقابل عدم مشروعیت دیگر حکومت‌ها را به مردم گوشزد می‌کنند. یکی از این موارد مربوط به آغاز سوره معارج است: «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» (معارج/۱-۲) که امام (ع) آیه دوم را به صورت «لِلْكَافِرِينَ بَوْلَايَةُ عَلِيٍّ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» قرائت نموده است.

این روایت در *الکافی* (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۸/ ۵۷؛ ۲/ ۳۸۷) با دو سند متفاوت و در هر کدام از کتاب‌های *القراءات* (سیاری، ۲۰۰۵م، ص ۴۰۲) *تأویل الآيات الظاهرة* (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ۶۹۷) و *الکشکول* (آملی، نسخه خطی) با یک سند ذکر شده است. در *مناقب* نیز متن این روایت بدون ذکر سند بیان شده است (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ۲/ ۳۴۲). برخی از این تحریرها مفصل و برخی کوتاه هستند؛ تحریر کوتاه که فقط مشتمل بر قرائت منسوب به امام (ع) است در *تأویل الآيات الظاهرة*، *القراءات* و *الکافی*، و تحریر مفصل که علاوه بر قرائت شأن نزول این آیه را نیز دربردارد، در *الکشکول*، *مناقب* و *الکافی* ثبت شده است.

این اخبار در آثار پرحاشیه‌ای همچون *القراءات* سیاری در شمار قرائت رده‌بندی شده‌اند. این دیدگاه که این قرائت ماهیت تفسیری دارند، ایده نوپدید نیست، اما اینکه افرادی چون محدث نوری آنها را به عنوان شاهد مثالی در اثبات اعتقاد شیعه به تحریف قرآن مطرح نموده‌اند، دیدگاه شیعه درباره ماهیت این قرائت را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. با توجه به سیاق آیه می‌توان دریافت که این قرائت در صدد است تا انکار ولایت علی (ع) را از مصادیق کفر به شمار آورد. از این رو، تمام عذاب‌های مطرح شده در آیات بعدی شامل حال منکران ولایت نیز خواهد شد.

طرح مسئله

در منابع، برای آیه ۲ سوره مائده یک قرائت با ماهیت شیعی ثبت شده است؛ این قرائت، افزوده «بَوْلَايَةِ عَلِيٍّ» است که در اخباری منسوب به امام صادق (ع) دیده می‌شود. برخی از رهگذر بررسی سلسله اسناد قرائت حمزه و توجه به امکان بهره‌مندی او از قرائت امام صادق (ع)، راه رسیدن به قرائت امام صادق (ع) را مراجعه به قرائت حمزه دانسته‌اند. (ر.ک: جانیپور، ۱۳۹۷ش، سراسر اثر) در این صورت، هر قرائت دیگرگونه‌ای از امام صادق (ع)، مشخصاً ماهیت قرآنی ندارد. اما این تنها مبتنی بر اطمینان به صحت و اصالت خبری است که متضمن تأیید قرائت حمزه از سوی امام صادق (ع) است، (ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق، ۷۳) در این صورت، می‌توان گفت تمام دیگر قرائت به دست رسیده از ایشان، غیر قرآنی است؛ اما برای کسی که به صحت این خبر اطمینان ندارد، بررسی‌هایی از قبیل این مقاله، برای درک ماهیت قرائت منقول از ائمه (ع) راهگشاست.

این مقاله به تحلیل موردی قرائت منسوب به امام صادق (ع) از آیه ۲ سوره معارج می‌پردازد و این بررسی را در دو بخش ارائه خواهد داد: بخش اول: تاریخ‌گذاری روایت با استفاده از روش تحلیل اسناد-متن برای آگاهی از زمان انتشار خبر، و بخش دوم: تحلیل تاریخی اوضاع موجود در زمان انتشار خبر، به منظور دستیابی به انگیزه‌های نشر آن. بر این اساس، مقاله حاضر با این بررسی موردی به دنبال پاسخ این پرسش‌هاست: اولاً، قرائت متفاوت آیه ۲ سوره معارج به عنوان نمونه‌ای از قرائات منسوب

به ائمه (ع) چه ماهیتی دارد؟ ثانیاً، این قرائت در چه زمانی منتشر شده است؟ ثالثاً، اوضاع فرهنگی و سیاسی دوران انتشار این قرائت چه نقشی در شکل‌گیری آن داشته است؟

نوآوری این پژوهش نسبت به مواردی که در بخش قبل عنوان شد، بررسی ماهیت قرائت ائمه (ع) با مطالعه موردی قرائت متفاوت امام صادق (ع) از آیه ۲ معارج است که بدین منظور از روش تحلیل اسناد-متن، آنگونه که توسط موتسکی بهبود یافت، استفاده می‌کند و در نهایت با بررسی گفتمان زمان رواج قرائت، به بررسی دلایل نشر آن می‌پردازد. بر این اساس، یادکرد مختصر مراحل روش مورد استفاده مقاله ضروری است: نخست گونه‌های مختلف یک روایت همراه با اسناد در حد امکان جمع‌آوری می‌شود؛ در گام بعدی نمودار سلسله اسناد این روایت‌ها تنظیم می‌شود و بر اساس آن حلقه‌های مشترک (اصلی و فرعی) در سیر انتقال، مشخص خواهند شد؛ سپس متون گونه‌های مختلف با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان به دست آید؛ بر اساس این نتایج، فرضیه‌هایی مطرح می‌شود؛ در نهایت فرضیه‌های به دست‌آمده از تحلیل متن و اسناد گونه‌های مختلف با یکدیگر مقایسه می‌شود تا نتایج زیر حاصل شود: تاریخ تقریبی رواج روایت، نخستین ناقلان، تحولات متنی حدیث در مسیر انتقال، مشخص شدن راوی یا راویان به وجودآورنده تغییر در روایت و ... (موتسکی، ۱۳۸۶ش، ۲۴۷).

قبل از ارائه تحلیل اسناد-متن روایات، لازم است به شأن نزول سوره معارج اشاره شود. سوره معارج را مکی دانسته‌اند (زهری، ۱۴۱۸ق، ۴۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴/۶۰۸). حتی قرطبی مکی بودن این سوره را مورد اجماع دانسته است (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ۲۷۸/۱۸). برخی نزول سوره معارج را بعد از سوره الحاقه می‌دانند (همو، ۴۰؛ ابن ضریس بجلی، ۱۴۰۸ق، ۳۳/۱؛ ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ۲/۴۰۹)؛ اما برخی مفسران معاصر بر اساس محتوای سوره، مکی بودن انتهای آن را نمی‌پذیرند؛ با این استدلال که آیاتی چون «عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ» (معارج/۳۷) با حال منافقانی که از چپ و راست پیامبر (ص) را احاطه کرده بودند تناسب دارد (نک: طباطبائی، ۱۳۶۳ق، ۲۰/۵-۲۱) و ظهور چنین نفاق در مدینه بوده است و نه در مکه. به هر حال، ارتباط شأن نزول و مکی یا مدنی بودن سوره در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در مورد شأن نزول آیات ابتدائی سوره معارج سه روایت مطرح شده است: یک روایت آیه را مربوط به نزول عذاب بر نصر بن حارث (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۳۳۷۳/۱۰؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۴/۴۳۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۳۵/۱۰)؛ روایت دیگر بر ابوجهل (قمی، ۱۴۰۴ق، ۲/۳۸۵)؛ و روایت سوم بر نعمان بن حارث فهري (کوفی، ۱۴۱۰ق، ۵۰۵) می‌داند. زمان نزول عذاب نیز طبق دو روایت اول، جنگ بدر و طبق روایت سوم اندکی بعد از واقعه غدیر و بلافاصله بعد از درخواست سائل است. وجه اشتراک شأن نزول‌های پیش‌گفته، ارتباطی است که بین آیات ۱-۲ سوره معارج با آیه ۳۲

انفال برقرار می‌کنند که در خصوص درخواست عذاب از آسمان در صورت حقانیت قرآن و کلام پیامبر (ص) است. این ارتباط، شأن نزول‌های اول و دوم را دچار زمان‌پریشی می‌کند، چرا که سوره انفال مدنی است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۲/ ۹۷) و از این رو درخواست عذاب از ناحیه نضر بن حارث و یا ابو جهل باید در مکه باشد. شأن نزول سوم از این نظر مشکلی ندارد، زیرا سوره انفال و واقعه غدیر هر دو متعلق به دوره مدینه هستند؛ اما این با مکی بودن سوره معارج سازگار نیست. از این رو شأن نزول اخیر در صورتی قابل قبول خواهد بود که همچون برخی معتقد باشیم دیدگاه مشهوری که این سوره را مکی می‌داند صحیح نیست (نک: کریمی‌محلّی، ۱۳۹۶ش، سراسر اثر).

علاوه بر قرائت متفاوت امام صادق (ع) از آیه ۲ سوره معارج، روایات دیگری از امام (ع) درباره این آیه وجود دارد که در بیان فضائل علی (ع) و خشم حارث از این فضائل با اخبار مشتمل بر قرائت متفاوت اشتراک دارند و به احتمال در همان بافت تاریخی و گفتمانی منتشر شده‌اند. از آنجا که احتمال دارد این دو گروه در اصل یک خبر باشند، در اینجا مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بدین جهت، در این مقاله تحریرهای خبر مورد بررسی به اعتبار محتوا به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱. روایات مشتمل بر قرائت متفاوت از آیه ۲ سوره معارج؛ ۲. روایات مشتمل بر قرائت رایج.

۱. اخبار مشتمل بر قرائت متفاوت

روایات این دسته همگی منقول از امام صادق (ع) هستند؛ چهار تحریر از این دسته از طریق ابوبصیر و یک تحریر از طریق مفضل بن عمر جعفری به دست رسیده است.

الف) خبر مفضل

در تحریر مفضل به بیان واقعه غدیر و ذکر فضائل علی (ع) از سوی پیامبر (ص) پرداخته شده است. متن تحریر مفضل بسیار طولانی است، از این رو پس از نقل سند، به ذکر گزیده‌ای فارسی از متن خبر اکتفا می‌شود: احمد بن عبد الرحمن ناوردی از حسین بن عباس، از مفضل کرمانی، از محمد بن صدقه از محمد بن سنان (د ۲۲۳ق) از مفضل بن عمر جعفری از امام صادق (ع) پرسید: ... (مفضل بن عمر (الف)، ۲۳۲-۲۴۲). در بخش اول این تحریر که به بیان واقعه غدیر اختصاص دارد جزئیاتی مطرح شده که در هیچ یک از دیگر تحریرهای این پژوهش وجود ندارد، برای نمونه فضائلی برای علی (ع) از زبان پیامبر (ص) مطرح شده است: «أَنَّ مِثْلَ عَلِيٍّ فَيَكُمُ كَمِثْلِ سَفِينَةَ نُوحٍ، مِنْ رَكِبَهَا نَجَى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، وَمَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ، وَمِثْلَ عَلِيٍّ فَيَكُمُ كَمِثْلِ بَابِ حَطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، مَنْ دَخَلَ كَانُ آمَنًا وَنَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ وَغَوَى».

بعد از ذکر واقعه غدیر، خطبه‌ای که پیامبر (ص) بعد از بازگشت از حج به مدینه در جمع اصحاب ایراد کرده آمده است. محتوای این خطبه ذکر فضائل و برتری‌های علی (ع) است، با عبارت‌هایی مانند: «اَخْتَصَّ عَلِيًّا بِأَخٍ مِثْلِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَخٌ مِثْلِي، وَاِخْتَصَّ بِزَوْجَةٍ مِثْلِ فَاطِمَةَ وَلَمْ

یختصّ أحد بزوجه مثلها». در ادامه صحبت‌های منافقان - که نصر بن حارث فهری نیز یکی از آنهاست - پیرامون فضائل پیش‌گفته امام علی (ع) مطرح شده و خشم آنها نسبت به بیان این فضائل منعکس شده است. در ادامه مجادله نصر بن حارث به صورتی کاملاً متفاوت از روایاتی که در دسته بعد خواهد آمد، بیان شده است. در این تحریر سخنی از نصر بن حارث نقل شده که نشان آشکاری از رقابت قبیله‌ای است: «یا رسول الله إذا كنت أنت سيّد ولد آدم وأخوك سيّد العرب وإبتك فاطمة سيّد نساء العالمين وأبناك الحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة وعمك حمزة سيّد الشهداء ... فما سائر قومك من قريش والعرب».

آیه ۲ سوره معارج نیز با قرائتی متفاوت نسبت به قرائت رایج و حتی نسبت به دیگر روایات همین دسته ذکر شده است: «لِلْكَافِرِينَ بَعْلَىٰ وَقَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَأَلِ مُحَمَّدٍ». به دنبال آن نیز هیچ عبارت تأکیدی برای نشان دادن مطابقت آن با نزول نیامده است. البته در نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، این بخش به صورت افزوده تفسیری مطرح شده است: «لِلْكَافِرِينَ أَيْ بَعْلَىٰ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَأَلِ مُحَمَّدٍ» (مفضل بن عمر (ب)، ۲۳۲-۲۴۲)، و در نسخه چاپی این کتاب، اصلاً اشاره‌ای به این بخش نشده و آیات ۱ و ۲ سوره معارج با همان قرائت رایج ذکر شده است (مفضل بن عمر (پ)، ۱۷۵-۱۸۱). با توجه به اینکه بحرانی در کتابش این حدیث را کاملاً مطابق با نسخه خطی موجود در آستان قدس رضوی آورده است (بحرانی، ۱۴۳ق، ۲۶۷-۲۷۸)، احتمال تصحیف در متن روایت وجود دارد.

مفضل در کتب رجالی از راویان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) شمرده شده و خطابی و فاسد المذهب توصیف شده است (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۱۶؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۵۸). روایات ضد و نقیضی در *الرجال کشی* درباره او وجود دارد که برخی او را مدح و برخی ذم کرده‌اند (کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۱-۳۲۹). برخی برای رفع تعارض میان این دو دسته، احادیث مدح را مربوط به قبل از زمان پیوستن او به غلات و احادیث ذم را مربوط به بعد از این زمان می‌دانند (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۳).

ب) اخبار ابوبصیر

چهار خبر به واسطه ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل شده‌اند که علاوه بر ابوبصیر در محمد بن سلیمان و پدرش نیز اشتراک دارند:

یک خبر همان است که کلینی در *الکافی* آورده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳۸۷/۲). در این روایت، فقره اضافه در خلال آیه ۲ سوره معارج عبارت «بَوْلَايَةِ عَلِيٍّ» است که با تعبیر «هَكَذَا وَاللَّهِ نَزَلَ» بر درستی آن تأکید شده است. این تحریر در مقام بیان شأن نزول آیات ابتدائی سوره معارج نیست و صرفاً به بیان قرائت امام (ع) از آیه ۲ سوره معارج پرداخته است.

خبر دوم روایتی است که سیاری در *القراءات* ثبت کرده است (سیاری، ۲۰۰۹م، ۴۰۲).

صورت‌بندی ابتدای این روایت مانند روایت کوتاه *الکافی* است. قرائت آیه ۲ سوره معارج، همراه با افزوده «بَوْلَايَةَ عَلِيٍّ» و عبارات تأکیدی انتهای روایت نیز مشابه با روایت مفصل *الکافی* (تحریر سوم) است.

خبر سوم نیز روایتی در *الکافی* است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۵۷/۸). در این روایت نام فردی که ابوبصیر از او نقل کرده نیامده است؛ اما با توجه به اینکه روایات رسیده از ابوبصیر به واسطه محمد بن سلیمان و پدرش در بیشتر موارد از امام صادق (ع) نقل شده‌اند (برای نمونه. نک: صفار، ۱۴۰۴ق، ۱/۴۶۴؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق، ۳۰۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۱۳/۴۴۶)، به احتمال زیاد، در این مورد نیز روایت منقول از امام صادق (ع) است. مازندرانی نیز در شرح خود روایت را از امام صادق (ع) می‌داند (مازندرانی، ۱۳۴۲ش، ۱۱/۳۶۴).

در این تحریر، فقره اضافه همچون روایت کوتاه *الکافی* «بَوْلَايَةَ عَلِيٍّ (ع)» است که در تأیید درستی آن علاوه بر عبارت «هَكَذَا وَاللَّهِ نَزَلَ بِهَا جَبْرَائِيلُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (ص)»، عبارت «وَهَكَذَا هُوَ وَاللَّهُ مُثَبِّتٌ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ (س)» نیز آمده است. در متن این روایت، پیامبر (ص) در مقام بیان فضیلت علی (ع)، ایشان را با حضرت عیسی (ع) مقایسه فرموده است. هرچند هم این روایت و هم روایات مشتمل بر قرائت رایج بیان فضیلت علی (ع) را علت خشم حارث بیان کرده‌اند؛ اما نوع فضائل در آنها با یکدیگر متفاوت است. در روایات مشتمل بر قرائت رایج، مقام ولایت علی (ع) در قالب واقعه غدیر بیان شده؛ اما در این روایت صراحتاً درباره ولایت صحبت نشده، بلکه جایگاه معنوی ایشان مطرح شده است. در این تحریر نیز همانند تحریر مفضل، سخن حارث نشان دهنده رقابت قبیله‌ای است: «أَنَّ بَنِي هَاشِمٍ يَتَوَارَثُونَ هِرْقَلًا بَعْدَ هِرْقَلٍ» طبق این جمله علت عصبانیت حارث امتیازاتی است که موجب برتری بنی هاشم نسبت به دیگر تیره‌های قریش می‌شود.

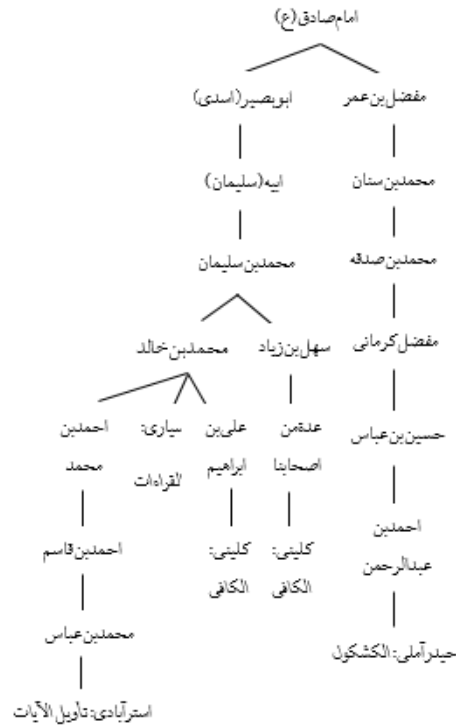
روایت چهارم را استرآبادی در *تأویل الآيات الظاهرة* آورده است (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ۶۹۷). این روایت مشابه روایت سیاری و روایت کوتاه *الکافی* (تحریر اول) است با این تفاوت که فقط با یک عبارت «هَكَذَا هِيَ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ (س)» بر درستی قرائت تأکید شده است.

پ) تحلیل اسناد

نام ابوبصیر در سند این تحریرها به صورت کامل ذکر نشده و مشخص نیست که مراد از ابوبصیر دقیقاً چه کسی است؛ چرا که در منابع رجال، این نام بر چند نفر اطلاق شده است؛ اما از آنجا که در سند این روایت نام محمد بن سلیمان دیده می‌شود، می‌توان احتمال داد که مراد از ابوبصیر در اینجا یحیی بن ابی بصیر اسدی باشد، چرا که محمد بن سلیمان در احادیثی به واسطه علی بن ابی حمزه از ابوبصیر روایت کرده (کشی، ۱۴۰۹ق، ۱۱) و علی بن ابی حمزه نیز مرتبط با ابوبصیر یحیی بن ابی قاسم

تحلیل قرائت منقول از امام صادق (ع) در آیه ۲ سوره معارج <۷۶>

اسدی است. علی بن ابی حمزه بطائنی از اهالی کوفه و قائد ابوبصیر اسدی بوده است؛ ابوبصیر اسدی



شکل ۱: نمودار اسناد روایات مشتمل بر قرائت متفاوت آیه ۲ معارج

به علت نابینایی برای راه رفتن به کمک احتیاج داشت، و علی بن ابی حمزه او را همراهی می کرد. علی بن ابی حمزه راوی امام موسی کاظم (ع) و امام جعفر صادق (ع) و واقفی مذهب معرفی شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۴۹-۲۵۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۳۹، ۵۹۰). علاوه بر این، خوئی با ذکر دلالتی معتقد است هر جا کنیه ابوبصیر به صورت مطلق به کار رفته باشد، مراد یحیی بن ابی القاسم اسدی است (خوئی، ۱۳۷۲ش، ۷۹/۲۱). یحیی بن ابی قاسم از روایان امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بود و در ۱۵۰ق از دنیا رفت (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۴۱).

راوی ابوبصیر سلیمان و راوی سلیمان پسرش محمد است. او و پدرش در کتب رجال ضعیف و غالی توصیف شده و هر دو صاحب کتاب هستند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۲، ۳۶۵). به هر حال ابوبصیر امکان نقل از امام صادق (ع) را داشته است، از این رو، و با توجه به نمودار این دسته که در شکل ۱ آمده است، حلقه مشترک اصلی، امام صادق (ع) است، و نشر این خبر نیز کمی قبل از شهادت ایشان در ۱۴۸ق است. محمد بن سلیمان نیز حلقه مشترک فرعی است.

ت) تحلیل متن

متن تحریرهای این دسته به دو صورت خلاصه (نقل‌های اول، دوم و چهارم ابوبصیر) و مفصل (مفصل و نقل سوم ابوبصیر) بیان شده است. متن‌های مفصل از نظر ارائه قرائت متفاوتی از آیه ۲ سوره معارج اشتراک دارند، علاوه بر این، در هر دو نقل علت عصبانیت حارث، امتیازاتی است که منجر به فضیلت بنی هاشم نسبت به دیگران می‌شود. این دو تحریر غیر از شباهت‌هایی که عنوان شد، تفاوت‌های اساسی نیز با یکدیگر دارند؛ برای نمونه فقره اضافه در دو روایت متفاوت است. با توجه به شباهتی که میان متن تمامی نقل‌های کوتاه و نقل بلند *الکافی* وجود دارد، احتمال دارد که نقل‌های کوتاه گزیده‌ای از نقل مفصل *الکافی* باشند. در این صورت، احتمالاً محمد بن خالد برقی که اولین راوی مشترک در اسانید نقل‌های مختصر است، مسؤول این گزینش است و با این گزینش قصد برجسته کردن قرائت متفاوت آیه ۲ سوره معارج را داشته است. در غیر این صورت، شاید بتوان گفت تحریر مفصل *الکافی* که عدّه من أصحابنا را نیز در سند دارد، ترکیبی از چند خبر است که کوشیده است بافت صدور قرائت و ارتباط آن با واقعه غدیر را برجسته سازد.

در تمام نقل‌های کوتاه همانند نقل بلند *الکافی* عبارت افزوده «بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (ع)» است. عبارات تأکیدی که بعد از این قرائت بیان شده‌اند دو عبارت «هَكَذَا وَاللَّهِ نَزَلَ بِهَا جِبْرِئِيلُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (ص)» (تحریرهای اول، دوم و سوم) و «هَكَذَا هِيَ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ (س)» (تحریرهای دوم، سوم و چهارم) مطابقت با مصحف حضرت فاطمه (س) در تحریرهای دوم و سوم مشترک است، این صورت‌بندی قصد دارد مطابقت قرائت با محتوای مصحف حضرت فاطمه (س) را برای مطابقت قرائت با آنچه جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل کرده است شاهد بگیرد. بدین وسیله، بر مطابقت کامل مصحف حضرت فاطمه (س) با نزول نیز تأکید نموده است.

از آنجا که وجود اسامی حکمرانان به عنوان بخشی از محتوای مصحف حضرت فاطمه (س) (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱/۱۶۹) کاربردی جدلی داشته است (کلبرگ، ۱۳۹۶ش، ۲۵۳)، چنانکه در روایتی از امام صادق (ع) عدم ذکر نام محمد بن عبدالله در مصحف حضرت زهرا (س)، دلیلی بر بی‌نتیجه بودن قیام او و به دلالت التزامی اشاره به بطلان ادعای محمد بن عبدالله و پیروانش ذکر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱/۶۰۱)؛ می‌توان احتمال داد مضبوط نشان دادن این قرائت در مصحف حضرت زهرا (س) تلاشی به منظور تأکید بر اهمیت و حقانیت ولایت علی (ع) و تکذیب فرقه‌ها و افراد مدعی امامت در آن زمان بوده است.

وجود اخباری منقول از امام صادق (ع) که ادعا می‌کنند هیچ کلمه‌ای از قرآن در مصحف حضرت زهرا (س) وجود ندارد (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱۵۳-۱۵۸؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۹)، نشان‌دهنده گفتمانی در زمان امام (ع) مبنی بر پنداری اشتباه نسبت به این مصحف است و این روایات به منظور اصلاح آن

منتشر شده گویی در آن زمان گروهی اعتقاد داشتند این مصحف شامل متن *قرآن* نیز می‌شود. این گفتمان فرضیه دیگری را نیز در خصوص عبارت تأکیدی موجود در این تحریرها محتمل می‌سازد که با فرض عدم پذیرش صدور این عبارت از امام (ع)، عبارت «هَكَذَا هُوَ وَاللَّهِ مُثَبَّتٌ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ (س)» از سوی راویانی افزوده شده که به وجود عبارات قرآنی متفاوت در این مصحف معتقد بوده‌اند. همان طور که در مورد عبارات «هَكَذَا نَزَلَتْ» و «نَزَلَ جِبْرِئِيلُ بِهِذِهِ الْآيَةَ هَكَذَا» برخی معتقدند وجود این عبارات در نتیجه تلاش برای ارتقای جایگاه قرائت‌های شیعی و مردود ساختن قرائت‌های عامه، در کنار برخی قرائت‌های منسوب به ائمه (ع) جای‌گذاری شده‌اند (بر-اشر، ۱۳۹۵ ش، ۱۱۰).

در تحریر سوم کسی که به اعتراض برمی‌خیزد، حارث بن عمرو فهری است. بر اساس نسب فهری، این فرد باید منسوب به بنی فهر بن مالک بن نضر باشد که از بطون قبیله قریش است (ابن سعد، ۴۱۰، ۳/۳۱۲؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ۱۰/۲۶۸). در این صورت، مضمون گفته او از رقابت شدید قریشیان برای به دست گرفتن زعامت بعد از نبی اکرم (ع) و نارضایتی دیگر شاخه‌های قریش از جانشینی فردی از بنی‌هاشم خبر می‌دهد.

۲. اخبار مشتمل بر قرائت رایج

روایات مشتمل بر قرائت رایج، به اعتبار مصدر اصلی به سه گونه تقسیم می‌شوند: اخباری که امام صادق (ع) آنها را به ابن عباس رسانده است؛ اخباری که از امام صادق (ع) نقل شده و با تعبیر «آبائه» به نسل‌های قبل بازگردانده می‌شود؛ خبری که از امام صادق (ع) نقل شده و با تعبیر «آبیه» به امام محمد باقر (ع) بازگردانده شده است. گویا عباراتی چون «فَقَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ» در روایت گونه اول، «عَنْ آبَائِهِ» در اخبار گونه دوم، و «عَنْ أَبِيهِ» در خبر گونه سوم که همگی نقل قولی از امام صادق (ع) هستند، بعد از ایجاد گفتمان اسناد و به سبب ملاک اهل سنت در سنجش اعتبار احادیث بر اساس اتصال آن تا طبقه صحابه، از جانب امام (ع) مطرح شده‌اند، به خصوص اینکه در تمام این موارد راوی خبر امام صادق (ع) سفیان بن عیینه است که اهل سنت شمرده می‌شود. سفیان بن عیینه بن ابی‌عمران در اصل کوفی بود اما در مکه زیست و در همانجا در ۱۹۶ق از دنیا رفت (ابن سعد، ۴۰۸، ۱/۳۵).

سفیان بن عیینه روایت را از امام صادق (ع) دریافت کرده و به چهار راوی منتقل کرده است: حسین بن محمد، یحیی بن زکریا منقری، محمد بن ایوب و رومی بن حماد که غیر از حسین بن محمد بقیه مجهول هستند و در کتب رجالی اطلاعاتی درباره آنها یافت نمی‌شود.

الف) اخبار امام صادق (ع) با سند متصل به ابن عباس

اولین تحریر از این گونه چنین است: فرات از محمد بن احمد بن ظبیان از حسین بن محمد خارفی از سفیان بن عیینه در خصوص شأن نزول آیه ۱ سوره معارج پرسید و سفیان چنین پاسخ داد:

«يَا ابْنَ أُخِي سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مَا سَأَلْتَنِي عَنْهُ أَحَدٌ [خَلْقٌ] قَبْلَكَ لَقَدْ سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) عَنْ مَثَلِ الَّذِي سَأَلْتَنِي عَنْهُ فَقَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا كَانَ يَوْمَ غَدِيرِخُمٍّ...» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ۵۰۵). محمد بن احمد بن ظبيان از مشايخ فرات بن ابراهيم است (همان، ۳۸). درباره حسين بن محمد با وصف «خارفي» اطلاعاتی در کتب رجالی دیده نمی‌شود، اما حسين بن محمد بن بهرام مروزی (د ۲۱۳ق) از مشايخ احمد بن حنبل است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۳۶۶/۲). در *مسند احمد بن حنبل* احادیثی از طریق حسين بن محمد از سفیان بن عيينه نقل شده که در تمام این موارد، این نام بدون پسوند «خارفي» آمده است (برای نمونه. نک: ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۳۶۶/۳۸، ۲۲۰/۲۴). به همین دلیل نمی‌توان یقین داشت که این دو حسين بن محمد یک نفر هستند. به هر حال، این روایت، مرسل است چرا که تاریخ وفات فرات با توجه به تاریخ وفات شاگردش، علی بن بابویه (د. ۳۲۹ق) در حدود ۳۰۰ق تخمین زده می‌شود. و با توجه به این تاریخ، سال وفات محمد بن احمد بن ظبيان که از استادان فرات بوده حدوداً ۲۷۰ق است، بنابراین او نمی‌تواند بدون واسطه از حسين بن محمد حدیث نقل کرده باشد و نام یک واسطه بین این دو نفر در سند نیامده است.

در متن این تحریر نسبتاً طولانی، سفیان بن عيينه درباره شأن نزول آیه سؤال سائل مورد سوال قرار می‌گیرد. او با اظهار اینکه تا کنون با چنین سوالی مواجه نشده، می‌گوید در این باره از امام صادق (ع) سؤال کرده و ایشان به نقل از پدرشان از جدشان، از پدرش از ابن عباس پاسخ گفته است. متن خبر ابتدا به خطبه پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر اشاره کرده که در آن جانشینی امام علی (ع) را اعلام نموده است. حارث بن نعمان فهری کسی است که با شنیدن این ماجرا به خشم آمده و می‌خواهد در صورت حقانیت عمل پیامبر، بر خودش و در غیر این صورت، بر ایشان (ص) عذاب نازل شود. بعد از نزول عذاب بر سر حارث است که دو آیه اول سوره معارج نازل می‌شود.

سند دومین تحریر شبیه به تحریر قبل است. تنها افراد پیش از حسين در سلسله سند متفاوت هستند: محمد بن عباس از علی بن محمد بن مخلد از حسن بن قاسم از عمر بن حسن از آدم بن حماد از حسين بن محمد از سفیان بن عيينه ... (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ۶۹۷). متن این تحریر نیز مانند تحریر پیشین است. استرآبادی این تحریر را از محمد بن عباس نقل کرده است. محمد بن عباس معروف به ابن جحام (د ۳۲۸ق) از ثقات و صاحب کتابی با عنوان *ما نزل من القرآن فی أهل البيت* (ع) بوده (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۷۹) که یکی از منابع مورد استفاده استرآبادی در تألیف کتاب *تأویل الآيات الظاهرة* است (حر عاملی، ۱۳۶۲ش، ۱۳۱/۲).

ب) اخبار منقول از امام صادق (ع) با سند متصل به آبائشان

سند اولین تحریر این گونه چنین است: ابو عبدالله شیرازی از ابوبکر جرجرائی از ابواحمد بصری از

محمد بن سهل از زید بن اسماعیل مولی انصاری از محمد بن ایوب واسطی از سفیان بن عیینة از جعفر بن محمد (ع) از پدرش (ع) از علی (ع)... (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۳۸۱/۲). متن این تحریر شباهت زیادی به دو تحریر قبل دارد، تنها اینکه در قسمت نقل خطبة پیامبر (ص) در روز غدیر خلاصه‌تر از آنهاست. این خبر با همین متن و سند در تفسیر **مجمع البیان** نیز آمده است، تنها اینکه در آنجا، به جای عبارت «عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ»، عبارت «عَنْ أَبِيهِ» آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۵۳۰/۱۰).

دومین تحریر از این گونه را ابو العلاء زید بن علی و مرتضی بن داعی از عبد الرحمن بن احمد از محمد بن زید بریدی از زید بن اسماعیل حسنی از احمد بن ابراهیم حسنی از عبد الرحمن بن حسن از عباس بن عیسی از حسن بن عبد الواحد از حسن بن علی نخعی از رومی بن حماد از سفیان بن عیینة از امام صادق (ع) از پدرانشان نقل کرده‌اند (رازی، ۱۴۰۸ق، ۸۲). متن این تحریر شبیه به اخباری است که سند آنها به ابن عباس رسانده شده است.

پ) خبر امام صادق (ع) از پدرشان

این تحریر را محمد بن احمد از پدرش از علی بن فروخ از ابن زکریا منقری از سفیان بن عیینة از عمر بن ابو سلیم عبسی از امام صادق (ع) از پدرش (ع) نقل کرده است (حسین بن عبدالله، ۲۰). در **مدینه المعاجز** همین روایت به نقل از **عیون المعجزات** آمده و سند و متن هر دو نقل عیناً مشابه یکدیگر است، تنها اینکه در **مدینه المعاجز** نام یحیی بن زکریا منقری به طور کامل ذکر شده است (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ۱/۴۰۷).

در این سند سفیان بن عیینة با واسطه از امام صادق (ع) روایت کرده است. در مورد یحیی بن زکریا با وصف «منقری» اطلاعاتی در کتب رجالی وجود ندارد. در اسنادی که یحیی بن زکریا به عنوان راوی سفیان بن عیینة مطرح شده، نام او بدون هیچ پسوندی و به صورت یحیی بن زکریا بن ابی زائده ذکر شده است (برای نمونه، نک: نسائی، ۱۴۱۱ق، ۳۳۲/۴؛ همو، ۵۰۵/۴). یحیی بن زکریا در زمان خلافت هارون در مدائن عهده‌دار منصب قضا بود و در ۱۸۳ق از دنیا رفت (ابن سعد، ۱۴۰۸ق، ۳۶۴/۶). او افقه اهل کوفه و حافظ حدیث به شمار رفته و همچنین از او به عنوان اولین مصنف کتاب در کوفه یاد شده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۱۹/۱۴-۱۲۴).

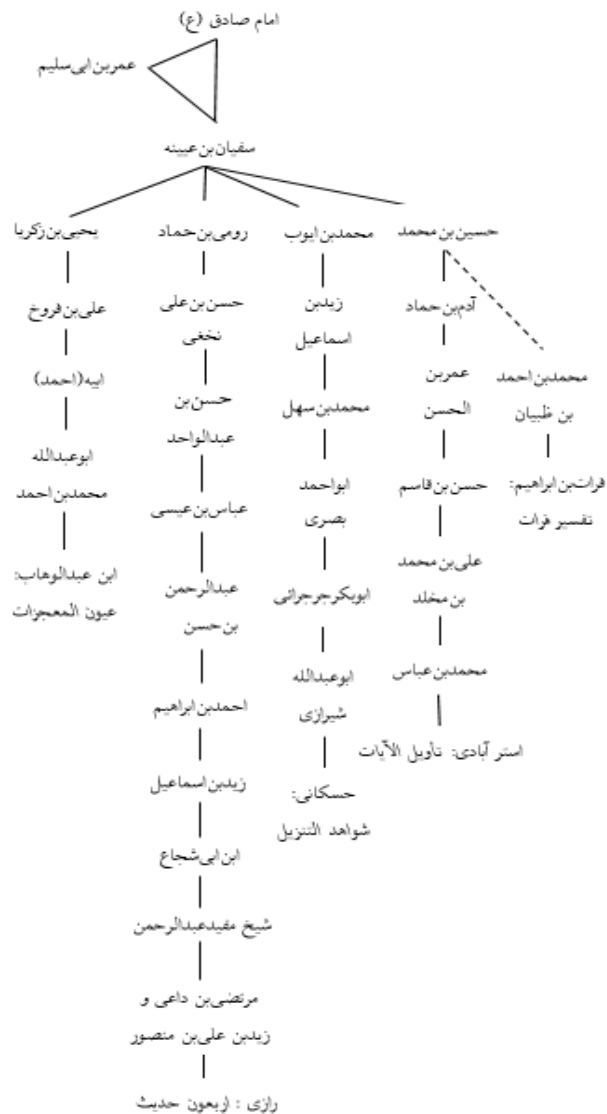
ت) تحلیل اسناد و متن

در سند دومین تحریر گونه «ب» و هر دو تحریر گونه «الف»، ذهنیت سفیان درباره سؤال راوی از شأن نزول آیه ۱ سوره معارج مطرح شده است: «درباره چیزی از من سؤال کردی که تا به حال کسی از من نپرسیده بود...». بیان چنین مطلبی از شخصی مانند سفیان بن عیینة می‌تواند نشان‌دهنده تمایل اندک مردم به صحبت از غدیر و مسائل پیرامون آن پیش از زمان این پرسش باشد؛ چرا که او از محدثان برجسته و کثیر الحدیث بوده است، به گونه‌ای که تعداد احادیثش حدود هفت هزار عنوان

شده است (عجلی کوفی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۱۷۷). وی به تلاوت قرآن و علم به آن نیز شهره بوده است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۶/ ۴۰۳).

در سند این تحریرها امام صادق (ع) به عنوان راوی پدران خویش مطرح شده‌اند؛ اما با توجه به فضای گفتمانی، می‌توان امام صادق (ع) را منبع اصلی خبر دانست؛ با توجه به رواج شیوه اسناد و حتی اصطلاح آن در میان راویان در نیمه دوم قرن اول (پاکتچی، ۱۳۶۷ش، ۷۰۹)، بعد از تثبیت گفتمان اسناد، در میان عامه تنها احادیثی معتبر شمرده می‌شدند که اسناد آنها به پیامبر (ص) ختم شود. البته در مورد روایات سبب نزول، حاضر القصه بودن راوی نیز اهمیت داشت، ابن عباس نیز به جهت حاضر القصه بودن و جایگاهش در میان صحابه، خصوصاً در دوره عباسی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در خصوص این نگرش عامه نقل قول فردی که نداشتن مشایخ حدیثی را دلیل امتناع خود از نقل روایات امام صادق (ع) بیان کرده جالب توجه است: «از او درباره احادیثی که نقل می‌کند پرسیدم که آیا چیزی از آنها را خود شنیده است؟ او گفت: «نه؛ ولی اینها، روایاتی هستند که از پدرانمان نقل می‌کنیم» (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۲/ ۳۵۶). در مقابل، تأکید امام صادق (ع) بر اینکه حدیث ایشان، حدیث پدرانشان و حدیث پدرانشان حدیث پیامبر (ص) و حدیث ایشان قول خداوند است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱/ ۱۳۱)، نشان می‌دهد که امام (ع) اجداد خود را منبع علم خود می‌دانستند؛ نه شیخ حدیثی (جعفریان، ۱۳۸۱ش، ۴۸۱-۴۸۳). امام (ع) در چنین فضایی برای اینکه احادیثشان مورد قبول مخاطب عامه قرار گیرد، از این شیوه ارجاع استفاده می‌کردند.

مقاله حاضر با این فرض که اسناد اخبار پیش‌گفته نیز به همین جهت به افراد طبقات قبل بازگردانده شده است، همه آنها را همراه اخباری که مستقیماً از امام صادق (ع) نقل شده‌اند، در یک نمودار نمایش داده است. نمودار این دسته در شکل ۲ آمده است. بر اساس این نمودار، امام صادق (ع) حلقه مشترک اصلی این تحریرهاست و سفیان بن عیینه حلقه مشترک فرعی محسوب می‌شود.



شکل ۲: نمودار اسناد روایات مشتمل بر قرائت رایج آیه ۲ معارج

این روایات صورت‌بندی یکسانی دارند، به این نحو که ابتدا به واقعه غدیر خم اشاره و سپس مجادله حارث با پیامبر (ص) پیرامون حکم ابلاغ شده از سوی ایشان در مورد جانشینی علی (ع) بیان شده است. تنها تفاوت‌هایی در نقل جزئیات وجود دارد برای نمونه: در اولین تحریر گونه «ب» و تحریر گونه «ج» در قسمت نقل قول‌های حارث به جهاد و زکات اشاره شده است، در حالی که در دیگر نقل‌ها این دو مورد وجود ندارد؛ و یا در اولین تحریر گونه «الف» بر خلاف دیگر نقل‌ها بحث خمس مطرح شده است. این تفاوت‌های جزئی نشان‌دهنده طبیعی بودن سیر انتقال روایت و اخذ از یک منبع مشترک است.

۳. بافت تاریخی صدور روایت

در تحلیل اسناد-متن روایات مشتمل بر قرائت رایج مشخص شد که همه این تحریرها در بیان واقعه غدیر به عنوان شأن نزول آیات ۱ و ۲ سوره معارج و بیان قرائت رایج در انتهای روایت مشترکند. از آنجا که امام صادق (ع) به عنوان حلقه مشترک اصلی در این تحریرها مشخص شد، این مؤلفه‌های متنی مشترک را می‌توان به امام (ع) نسبت داد.

در روایات مشتمل بر قرائت متفاوت نیز امام صادق (ع) حلقه مشترک اصلی تحریرها به شمار می‌رفت. تنها مؤلفه متنی مشترک میان تمام تحریرهای این قسمت قرائت متفاوتی است که از آیه ۲ ارائه می‌دهند که در بیشتر موارد «ولایه علی (ع)» است. در اسناد این تحریرها نیز امام صادق (ع) به عنوان حلقه مشترک تعیین شد از این رو، زمان نشر هر دو دسته روایت را می‌توان اندکی قبل از ۴۸۱ق یعنی زمان شهادت امام صادق (ع) تخمین زد. در نتیجه، در این زمان روایت شأن نزول این آیات، هم با قرائت متفاوت آیه ۲ و هم با قرائت رایج آن منتشر شده است. صرف نظر از صحت و یا عدم صحت انتساب قرائت به امام صادق (ع)، بررسی مسائل فرهنگی زمان ایشان به منظور استخراج بافت تاریخی شکل‌گیری روایت و آشکارسازی دلائل نشر این خبر راهگشا خواهد بود. در این تحلیل تاریخی مؤلفه «ولایت» از دو منظر «ولایت در روایات مشابه» و «ولایت در زمان امام صادق (ع)» بررسی می‌شود.

الف) ولایت در اخبار مشابه

روایات مشتمل بر قرائت امام صادق (ع) زیاد هستند، اما به منظور مشخص شدن مفهوم ولایت در قرائت آیه «سأل سائل» لازم است دیگر قرائات مشتمل بر این مفهوم بررسی شوند. از این رو در این بخش فقط به بررسی قرائات امام (ع) که افزوده «ولایه علی» یا «فی علی» دارند، پرداخته می‌شود. این قرائات در مجموع یازده مورد هستند که از این تعداد، در هشت مورد از آنها افزوده «فی علی» ذیل آیات ۱۵۹ بقره، ۱۶۶ و ۱۶۷ نساء، ۶۷ مائده، ۲۴ نحل، ۲ و ۴۷ محمد و ۷۳ اسراء، و در سه مورد افزوده «ولایه علی» ذیل آیات ۲۳ انعام، ۸۹ اسراء و ۷۱ احزاب مطرح شده است. همگی این آیات دارای سیاق تقریباً مشابهی هستند و آن صحبت از کافران، مشرکان و تکذیب‌کنندگان پیامبر (ص) از اهل کتاب است که خداوند آنها را به سبب انکار و کفرشان مورد لعن خود قرار داده و به آنها نسبت به عذاب آخرت هشدار داده است. بررسی سیاق آیات و متن روایات نشان می‌دهد که مراد از ولایت در این قرائات، ولایت و سرپرستی جامعه و نه صرف ولایت معنوی و دینی است.

از میان آیاتی که افزوده «ولایه علی» ذیل آنها مطرح شده است، آیه ۷۱ سوره احزاب به عنوان نمونه بررسی می‌شود: ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فِي وَكَايَةِ عَلِيٍّ وَالْأُئِمَّةِ (ع) مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» هَكَذَا نَزَلَتْ وَاللَّهُ (قَمِي، ۱۴۰۴ق، ۲/۱۹۷-۱۹۸؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲/۳۶۷). در این روایت امام صادق (ع) اطاعت از فرامین خدا و پیامبر (ص) درباره ولایت امام علی

(ع) و امامان بعد از ایشان را موجب رسیدن به رستگاری عظیم بیان نموده است. عبارت «یا لیتنا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ» (احزاب/۶۶) در آیات پیشین که نقل قولی از سر حسرت و تمنا از سوی کافران گرفتار در عذاب است، این ملازمه را تأیید می‌کند. لذا می‌توان ولایت مطرح شده از سوی امام صادق (ع) ذیل آیه ۷۱ سوره احزاب را ناظر به ولایت سیاسی جامعه توسط معصوم (ع) دانست. درباره «ساده» و «کبراء» در آیه «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا» (انعام/۶۷) نیز مصادیق مطرح شده از سوی مفسران همه کسانی هستند که ولایت سیاسی جامعه را بر عهده داشتند (قمی، ۱۳۶۳ش، ۱۹۷/۲؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ۳۳۱/۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۶۵/۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۳ق، ۳۶۴/۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۵۶۲/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۵۳۸/۸).

نکته جالب توجه درباره قرائت مشتمل بر افزوده «فی علی» این است که در همه آنها این افزوده متعلق به مشتقات فعل «نزل» است. فقط در یک مورد ذیل آیه ۷۳ اسراء این افزوده مفعول «اوحی» است. با توجه به سیاقی که برای آیات مطرح شد، می‌توان دریافت این قرائت قصد دارند انکار آیاتی که خداوند در مقام امام علی (ع) نازل فرموده است را از مصادیق کفر به شمار آورند. با توجه به اینکه در این آیات خداوند با لحن شدیدی از لعن و مجازات کفار سخن می‌گوید، این قرائت قصد دارند این هشدار را شامل حال تکذیب کنندگان علی (ع) نیز بدانند.

برای نمونه، امام صادق (ع) در مقام ارائه تفسیری از آیه «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ» (محمد/۲۵)، شأن نزول آیه را افرادی می‌داند که به سبب ترک ولایت علی (ع) از ایمان برگشتند. در ادامه روایت، امام (ع) قرائتی از آیه ۲۶ سوره محمد ارائه می‌دهد: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ فِي عَلِيٍّ (ع)...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳۸۵/۲). از آنجا که در متن روایت به امتناع پرداخت خمس به ائمه (ع) اشاره شده، معلوم می‌شود مقصود خبر از «ما نَزَّلَ اللَّهُ فِي عَلِيٍّ (ع)» مقام ولایت و جانشینی امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) است.

قرینه دیگر بر این معنا، روایتی از امام صادق (ع) پیرامون آیه ۱۳۷ سوره نساء است؛ این خبر آیه را درباره افرادی دانسته است که در ابتدا به پیامبر (ص) ایمان آوردند اما هنگامی که پیامبر (ص) ولایت را با «من كنت مولاة فهذا علي مولاة» بر آنان عرضه کرد، کفر ورزیدند؛ سپس به واسطه بیعت با علی (ع) ایمان آوردند؛ اما بعد از رحلت پیامبر (ص) بر آن بیعت اقرار نکردند و از آنجا که با دیگران بیعت کردند بر کفر خود افزودند، و چیزی از ایمان در آنها باقی نماند (همو، ۱۴۲۹ق، ۳۸۴/۲). در این روایت منظور از ولایت، جانشینی امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) است و منحصر در ولایت معنوی نیست و شامل ولایت سیاسی ایشان بر جامعه مسلمان نیز می‌شود.

با توجه به مشابهت حکمی (ارتداد و بازگشت از ایمان) که در این دو آیه (۲۵ محمد و ۱۳۷ نساء) وجود دارد و امام (ع) در هر دو روایت آن را به اشخاصی که مقام جانشینی امام علی (ع) را غصب

نموده‌اند تعمیم داده است، می‌توان نتیجه گرفت که مراد از عبارت «ما نَزَّلَ اللَّهُ فِي عَلِيٍّ (ع)» و «ولایه» که در این دو روایت مطرح شده، ولایت سیاسی و حکمرانی جامعه اسلامی است.

ب) ولایت در دوره امام صادق (ع)

از آنجا که فقره اضافه در روایت درباره ولایت علی (ع) است، برای به دست آوردن فضای حاکم در زمان انتشار خبر، لازم است مفهوم ولایت در دوره امام صادق (ع) بررسی شود. در اواخر حکومت بنی امیه، فرزندان عباس و فرزندان علی بن ابیطالب (ع) تحت عنوان بنی هاشم در جامعه شناخته می‌شدند (مهروش، ۱۳۸۳ش، ۷۰۲-۷۰۴). از آنجا که مردم به سبب جور و استبداد امویان در یأس و ناامیدی نسبت به ظهور حاکم عادل از قریش به سر می‌بردند، فرصت مناسبی برای ظهور هاشمیان به عنوان داعیان تشکیل حکومت فراهم آمده بود. به همین دلیل قیام‌های متعددی از سوی بنی هاشم اعم از علویان و عباسیان شکل گرفت.

عبد الله بن معاویه بن عبدالله (د ۱۳۱) در ۱۲۷ق (طبری، ۱۳۸۷ق، ۳۰۲/۷) و زید بن علی در ۱۲۸ق (دینوری، ۱۹۶۰م، ۳۳۴) از جمله علویانی بودند که با شعار «الرضا من آل محمد» قیام کردند (آبی، ۱۴۲۴ق، ۲۹۶/۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۷۲/۲). عباسیان که در ابتدا مردم را به نام خود می‌خواندند (دینوری، ۱۹۶۰م، ۳۳۲-۳۳۳)، بعد از مدتی به دلیل علاقه مردم، به خصوص غیر عرب‌ها، به علویان و همچنین ترس از افشاء رهبری و شکست قیام، دست از دعوت به خود کشیدن، و بدون اینکه نام فرد خاصی را عنوان کنند مردم را به «الرضا من آل محمد» فرا خواندند؛ اما در واقع هدف آنها از «برگزیده آل محمد»، محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بود (نویسنده مجهول، ۱۳۹۱ق، ۱۹۴-۱۹۸)..

با توجه به تعدد قیام‌هایی که با این شعار انجام می‌گرفت به نظر می‌رسد که تشخیص اصالت این قیام‌ها برای مردم سخت شده بود. سخن امام صادق (ع) در خصوص معیار سنجش اعتبار این قیام‌ها به خوبی گویای این مسئله است: «اگر کسی از ما نزد شما آمد، بنگرید که بر چه مبنایی قیام می‌کنید. نگویند زید قیام کرد چرا که او فردی عالم و صادق بود و شما را به خود دعوت نکرد بلکه به «الرضا من آل محمد» دعوت نمود، و اگر پیروز می‌شد به عهد خود وفا می‌کرد. ... اما آنکه امروز به نام ما خروج می‌کند به چه عنوانی دعوت می‌کند؟ به «الرضا من آل محمد»، ما شما را گواه می‌گیریم که به او راضی نیستیم... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۵۹۸/۱۵-۵۹۹). علامه مجلسی عبارت «إِنْ أَتَاكُمْ آتٍ مِّنَّا» را اعم از هاشمیان یا علویان می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۸/۲۶). از این رو عموم مطرح شده در روایت شامل عباسیان (که خود را از بنی هاشم می‌دانستند) نیز می‌شود. چرا که آنها نیز مردم را به همین شعار فرا می‌خواندند. این خبر می‌تواند هشدار به شیعیان نسبت به فریب موجود در شعار عباسیان باشد (شاه‌پسند، ۱۳۹۹ش، ۵۹-۶۰). در چنین فضایی، امام صادق (ع) در صدد تبیین مقام ولایت و مصادیق حقیقی ولی بود.

رد پیشنهاد ابوسلمه برای همکاری با عباسیان، تلاش امام صادق (ع) در این زمینه را به خوبی نشان می‌دهد: ابوسلمه نامه‌ای به امام (ع) ارسال کرد که در آن به امام (ع) پیشنهاد داده بود در صورت پیوستن به آنها از مردم برای ایشان بیعت می‌گیرد. این پیشنهاد در واقع تلاشی برای کسب مشروعیت برای عباسیان بود. امام (ع) که این مطلب را به خوبی می‌دانست، فرمود که ابوسلمه شیعه شخص دیگری است (مسعودی، ۱۴۲۵ق، ۲۱۲/۳)، و با عدم پذیرش پیشنهاد او مخالفت خود را با عباسیان ابراز داشت و مردم را نسبت به خدعه آنها در بکارگیری شعار «الرضا من آل محمد» آگاه نمود.

امام صادق (ع) نه تنها در قیام عباسیان، بلکه در قیام هیچ یک از علویان نیز مشارکت نداشت. این عدم مشارکت نشان می‌دهد که جامعه در آن زمان هنوز آمادگی پذیرش ولایت سیاسی معصوم (ع) را نداشت و از این رو امام صادق (ع) قبل از هرگونه اقدام نظامی، اقدامات فرهنگی و سیاسی را مقدم می‌شمرد تا مردم ابتدا صاحبان اصلی مقام ولایت را بشناسند.

در همین راستا، احادیث زیادی از امام (ع) برجای مانده که به ولایت به عنوان مقام اختصاصی ائمه (ع) اشاره دارد، از آن جمله روایتی است که در آن ولایت علی (ع) و فرزندان ایشان از ائمه (ع) را در کنار نماز، زکات، روزه و حج از ارکان دین اسلام معرفی فرموده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ۲۶۸). در **دعائم الاسلام** بابی با عنوان «ولایت ائمه اهل بیت (ع)» وجود دارد که شامل ۱۵ روایت است. در تمام این روایات که غالباً منقول از امام صادق (ع) هستند، صحبت از مقام امامت و وجوب اطاعت از امام است. در بیشتر این روایات در قالب ارائه تفسیر از برخی آیات قرآن، مفاهیم مربوط به امامت توضیح داده شده است، به عنوان نمونه، در روایتی از همین باب، امام صادق (ع) در مقام ارائه تفسیر آیه ۵۹ سوره نساء، ائمه (ع) را به عنوان اولی الامر و مفترض الطاعه معرفی نموده است (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق، ۲۵/۱).

علاوه بر مطالبی که عنوان شد، در این دوره گفتمان‌هایی شکل گرفته بود که هر کدام تلاش می‌کردند مصداقی برای «آل محمد» تعیین کنند و امام (ع) نیز با تشخیص این فضا از ابزار روایت، قرائت و ... برای مقابله با گفتمان‌های رقیب استفاده نمود (نک: شاه‌پسند، ۱۳۹۹، ۵۵-۶۱). با توجه به فضایی که ترسیم شد، انتشار چنین اخباری درباره مقام ولایت اهل بیت (ع) به منظور شناساندن ایشان به عنوان مصداق واقعی ولی در جامعه آن روز و بخشی از مبارزه امام صادق (ع) با دستگاه حاکم بوده است. بر اساس این بافت تاریخی می‌توان گفت که منظور از ولایت در روایت «سأل سائل»، ولایت سیاسی است. اما برای تأیید این احتمال، لازم است این مفهوم در دیگر قرائات منسوب به امام صادق (ع) نیز بررسی شود.

مطلب دیگری که درباره بافت صدور این روایت قابل طرح است، گسترش فعالیت مرجئه در زمان امام صادق (ع) است؛ تاجایی که عبدالله افطح فرزند بزرگ امام (ع) به این فرقه پیوست و امام او را

«مرجئی کبیر» خواند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۳۱۲). شیخ مفید فطحیان را که نام خود را از همین فرزند امام (ع) به ارث برده، و عقایدی همسو با مرجئه داشتند، در شمار فرقه‌های منشعب از شیعه در زمان امام صادق (ع) آورده است (همان، ۳۰۶). نقش فرهنگ ارجاء در بازدارندگی از نقل حدیث غدیر در مقاله‌ای با همین عنوان تبیین شده است (حسینیان مقدم، ۱۳۹۸ش، سراسر اثر)؛ اما در اینجا به عنوان یک نمونه می‌توان به این ماجرا اشاره داشت:

در مجلسی که محمد بن نوفل صیرفی و هیثم صیرفی که هر دو از اصحاب امام صادق (ع) به شمار می‌روند (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ش، ۲۹۶، ۳۱۹) و ابوحنیفه (د. ۱۵۰ق) (ابن ندیم، ۲۸۵-۲۸۴) حضور داشتند، بحثی پیرامون واقعه غدیر پیش آمد. در این بین ابوحنیفه اظهار داشت که از یارانش خواسته است حدیث غدیر را بازگو نکنند، چراکه به برادر ستیزی و هرج و مرج در جامعه منجر می‌شود و گزافه‌گویی‌های غالیان پیرامون غدیر را به دنبال دارد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۶-۲۸).

از آنجا که ابوحنیفه و شاگردانش از قبیل قاضی ابویوسف (د ۱۸۲ق) و محمد بن حسن شیبانی (د ۱۸۹ق) از جمله بزرگانی بودند که تفکر ارجاء را پذیرفتند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۷۸/۲-۱۷۵)، و از آنجا که مرجئه به عنوان گروهی برخاسته از متن حوادث سیاسی دوران حکمرانی امویان، مخالفت با نقل فضائل خلفای اربعه را عامل وحدت‌بخش جامعه می‌دانستند (حسینیان مقدم، ۱۳۹۸ش، ۲۶)، ارتباط میان نهی از نقل خبر غدیر و تفکرات ارجاء‌گرایانه احتمالی منطقی به نظر می‌رسد. در واقع، ابوحنیفه این نهی را به منزله راه حلی بر پایان دادن به نزاع‌های سیاسی طرفداران عثمان و علی (ع) درباره خلافت، می‌دانست.

نتیجه

بعد از پیاده سازی روش تحلیل اسناد-متن بر روی روایت «سأل سائل» مشخص شد که امام صادق (ع) حلقه مشترک اصلی در نمودار اسناد روایات مشتمل بر قرائت رایج و قرائت متفاوت است، در نتیجه، هردو خبر کمی قبل از شهادت امام (ع) یعنی ۱۴۸ق در جامعه منتشر شده‌اند. در خصوص تحلیل متن نیز مشخص شد که نقل‌های کوتاه در تحریرهای مشتمل بر قرائت متفاوت، گزینشی از نقل مفصل *الکافی* هستند. محمد بن خالد نیز مسؤول این گزینش شناخته شد که با هدف برجسته کردن قرائت متفاوت امام (ع) از این آیه این گزینش را انجام داده است. از این رو قرائت متفاوت از آیه را می‌توان به امام صادق (ع) به عنوان حلقه مشترک نسبت داد. تحریرهای قرائت رایج نیز همگی به یکدیگر وابسته و برگرفته از یک روایت هستند. هر دو دسته روایت (مشتمل بر قرائت رایج و متفاوت) شأن نزول آیه ۲ سوره معارج را بیان فضائل علی (ع) از سوی پیامبر (ص) عنوان کرده‌اند. بررسی گفتمان تاریخی زمان رواج قرائت رایج و متفاوت نیز نشان داد که این روایت در فضای مبارزاتی علیه عباسیان و در راستای بسترسازی فرهنگی در جامعه آن روز به منظور افزایش قدرت

تشخیص مردم در شناخت مصداق حقیقی «ولی»، منتشر شده است. انتشار این روایات در بافت تأکید بر ولایت سیاسی علی (ع) که در واقع تأکیدی بر ولایت دیگر ائمه (ع) نیز هست، به معنای نفی دیگر حکومت‌ها و گروه‌های سیاسی از جمله عباسیان بود. تناسب افزوده موجود در قرائت متفاوت از آیه ۲ معارج با بافت موقعیتی زمان رواج آن مشخص می‌کند که این قرائت به منظور ایجاد گفتمان در مقام مقابله با گفتمان رقیب بیان شده است، و در صدد بیان متن قرآنی متفاوت از مصحف رایج نیست.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- 1- آبی، منصور بن حسن (۱۴۲۴ق)، *نثر الدر*، به کوشش خالد عبدالغنی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- 2- ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- 3- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
- 4- ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، به کوشش عبد الله خالدی، بیروت، دارالأرقم.
- 5- ابن حبان، محمد (۱۳۹۳ق)، *الثقات*، هند، دائرة المعارف العثمانیه.
- 6- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۲۵ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دار صادر.
- 7- ابن سعد، محمد (۱۴۰۸ق)، *الطبقات*، به کوشش زیاد محمد منصور، مدینه، مکتبه العلوم والحکم.
- 8- ابن ضریس، محمد بن ایوب (۱۴۰۸ق)، *فضائل القرآن*، به کوشش غزوه بدیر، دمشق، دارالفکر.
- 9- ابن عدی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، *الکامل فی ضعف الرجال*، به کوشش عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، الکتب العلمیه.
- 10- ابن مجاهد، احمد بن موسی (۱۴۰۰ق)، *السبعة*، به کوشش شوقی ضیف، مصر، دار المعارف.
- 11- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، *الفهرست*، بیروت، دارالمعرفه.
- 12- احمد بن حنبل (۱۴۱۶ق)، *المسند*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- 13- استرآبادی، شرف الدین علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآيات الظاهره*، به کوشش حسین استاد ولی، قم، جامعه مدرسین.
- 14- بحرانی، هاشم (۱۴۱۳ق)، *مدینه المعجز*، به کوشش عزت الله مولایی همدانی، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- 15- براشر، مئیر (۱۳۹۶ش)، «دگر خوانشها و افزوده‌های شیعه امامیه به قرآن»، *قرآن شناسی امامیه در پژوهش‌های غربی*، ترجمه محمد علی طباطبائی، قم، دارالحدیث.
- 16- پاکتچی، احمد (۱۳۶۷ش)، «اسناد»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹.
- 17- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، به کوشش ابو محمد ابن عاشور، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- 18- جانپور، محمد (۱۳۹۷ش)، «امکان سنجی تأثیر پذیری قرائت حمزه کوفی از قرائت امام صادق

تحليل قرائت منقول از امام صادق (ع) در آیه ۲ سورة معارج <۹۰>

- (ع)، «تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال پانزدهم، شماره ۱.
- 19- جعفریان، رسول (۱۳۸۱ش)، *حیات فکری سیاسی امامان شیعه (ع)*، قم، مؤسسه انصاریان.
- 20- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش)، *امل الامل*، به کوشش احمد حسینی، قم، دارالکتب الاسلامی.
- 21- حسکانی، عبید الله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل*، به کوشش محمد باقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 22- حسین بن عبد الوهاب (بی تا)، *عیون المعجزات*، قم، مکتبه الداوری.
- 23- حسینیان مقدم، حسین (۱۳۹۸ش)، «بازدارندگی فرهنگ ارجاء از نشر حدیث غدیر با تکیه بر خبری از ابوحنیفه»، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۵.
- 24- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- 25- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۲ش)، *معجم رجال الحدیث*، قم، الثقافت الإسلامیه فی العالم.
- 26- *دلائل الإمامة* (۱۴۱۳ق)، منسوب به ابن رستم طبری، قم، بعثت.
- 27- دینوری، احمد (۱۹۶۰م)، *اخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر، قاهره، دار إحياء الکتب العربی.
- 28- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.
- 29- زهری، محمد بن مسلم (۱۴۱۸ق)، *الناسخ والمنسوخ وتنزیل القرآن*، به کوشش حاتم صالح الضامن، بیروت، مؤسسه الرساله.
- 30- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۳۸۲ق)، *الأنساب*، به کوشش عبد الرحمن بن یحیی المعلمی، حیدر آباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه.
- 31- سیاری، احمد بن محمد (۲۰۰۹م)، *التنزیل والتحریف*، به کوشش محمدعلی امیرمعزی و اتان کلبرگ، لایدن، بریل.
- 32- شاهپسند، الهه (۱۳۹۹ش)، «تحلیل تاریخی قرائت منسوب به ائمه اطهار (ع): مطالعه موردی آیه ۳۳ سورة آل عمران»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال هفدهم، شماره ۳.
- 33- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، *التبیان*، قم، جامعه مدرسین.
- 34- _____ (۱۳۷۳ش)، *الرجال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین.
- 35- _____ (بی تا)، *الفهرست*، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، مکتبه المرتضویه.

- 36- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الأمالی*، به کوشش حسین استادولی، قم، کنگره شیخ مفید.
- 37- _____ (۱۴۱۳ق)، *الفصول المختارة*، قم، دارالمفید.
- 38- _____ (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد*، به کوشش مؤسسه آل البيت (ع)، قم، کنگره شیخ مفید.
- 39- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، به کوشش محسن کوچه باغی، قم، کتابخانه مرعشی.
- 40- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳ش)، *المیزان*، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- 41- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان*، به کوشش فضل الله یزدی طباطبائی، تهران، ناصر خسرو.
- 42- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق)، *جامع البیان*، به کوشش احمد محمد شاکر، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- 43- _____ (۱۳۸۷ق)، *تاریخ*، بیروت، دار التراث.
- 44- عجلی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *معرفة الثقات*، به کوشش عبدالعلیم بستوی، مدینه، مکتبه الدار.
- 45- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *الرجال*، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، نجف، دارالذخائر.
- 46- فرات کوفی (۱۴۱۰ق)، *التفسیر*، به کوشش محمد کاظم، تهران، مؤسسه طبع و نشر.
- 47- قاضی نعمان (۱۳۸۵ق)، *دعائم الاسلام*، به کوشش آصف فیضی، قم، آل البيت (ع).
- 48- _____ (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ع)*، به کوشش محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.
- 49- قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸ق)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، به کوشش حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 50- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *التفسیر*، به کوشش طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.
- 51- کریمی محلی، طاهره (۱۳۹۶ش)، «نقد نظر مشهور، مبنی بر مکی بودن سوره معارج»، *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، دوره سوم، شماره ۵.
- 52- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *معرفة الرجال*، اختیار شیخ طوسی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

تحلیل قرائت منقول از امام صادق (ع) در آیه ۲ سوره معارج <۹۲>

- 53- کلبرگ، اتان (۱۳۹۶ش)، «متون مقدس معتبر در تشیع امامی متقدم»، ترجمه محمدرضا امین، *قرآن شناسی امامیه در پژوهش‌های غربی*، قم، دارالحدیث.
- 54- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ش)، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
- 55- مازندرانی، ملا صالح (۱۳۴۲ش)، *شرح الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، المكتبة الاسلامیة للنشر والتوزیع.
- 56- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول*، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- 57- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۵ق)، *مروج الذهب*، بیروت، المكتبة العصریة.
- 58- مفضل بن عمر، قطعه بازمانده در تفسیر سوره معارج، ضمن *الکشکول* حیدر آملی، الف) نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی؛ ب) نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ پ) نسخه چاپی *الکشکول* (۱۳۷۵ق)، نجف، المطبعة الحیدریة.
- 59- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *التفسیر*، به کوشش عبد الله محمد شحاته، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- 60- منتجب الدین رازی، علی (۱۴۰۸ق)، *الاربعون حدیثا*، قم، مؤسسه امام مهدی (ع).
- 61- موتسکی، هارالد (۱۳۸۶ش)، *زندگی نامه حضرت محمد (ص): بررسی منابع*، ترجمه محمدتقی اکبری و عبدالله عظیمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- 62- مؤدب، رضا و زمانی پهمدانی، کاظم (۱۳۹۶ش)، «تحلیل روایت تفسیری منتقله ابن فحام»، *حدیث پژوهی*، سال نهم، شماره ۱۷.
- 63- مهروش، فرهنگ (۱۳۸۳ش)، «بنی هاشم»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲.
- 64- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *الرجال*، قم، جامعه مدرسین.
- 65- نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ق)، *السنن الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- 66- نویسنده مجهول (۱۳۹۱ق)، *اخبار الدولة العباسیة*، عبد العزیز الدوری، بیروت، دارالطبعة.